

سیر و سفری در
گلستان ادب پارسی
از انوری تانیم

گردآوری و نگارش
مهندس پرویز نظامی

سرشناسه	نظامی، پرویز
عنوان و نام پدیدآور	سیر و سفری در گلستان ادب پارسی از انوری تا نیما / گردآوری و نگارش پرویز نظامی.
مشخصات نشر	تهران، گوتنبرگ، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۳۶۴ ص.
شابک	978 - 964 - 7619 - 76 - 9
وضعیت فهرست نویسی	فیا.
موضوع	شاعران ایرانی - - سرگذشتنامه.
موضوع	شعر فارسی - - تاریخ و نقد.
موضوع	شعر فارسی - - مجموعه ها.
رده بندی کنگره	۱۳۹۰ ۹۳۷/۵۷ PIR۳۵۴۲
رده بندی دیویی	۸۵۱/۰۰۹
شماره کتابشناسی ملی	۲۳۴۸۰۰۴



انتشارات گوتنبرگ

سیر و سفری در گلستان ادب پارسی

از انوری تا نیما

گردآوری و نگارش:

مهندس پرویز نظامی

چاپ اول: ۱۳۹۰، تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی: گنجینه - چاپ: چاپخانه آستان قدس

کلیه حقوق محفوظ است.

بخش: انتشارات گوتنبرگ

تهران - خ انقلاب روبروی دانشگاه تهران

تلفن: ۶۶۴۶۵۶۴۰ - ۶۶۴۱۳۹۹۸ - ۶۶۴۰۲۵۷۹

مشهد - احمدآباد، انتشارات جاودان خرد تلفن: ۸۴۳۴۵۲۷

شابک ۹ - ۷۶ - ۷۶۱۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۷۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۹	مقدمه نگارنده بر جلد سوم
۱۳	پیشگفتار
۲۷	انوری
۵۹	عنصری
۷۵	جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی
۹۵	باباطاهر همدانی - بابافغانی شیرازی - باباافضل کاشانی
۱۲۷	امیر خسرو دهلوی
۱۴۳	سلمان ساوجی
۱۶۷	خواجوی کرمانی
۱۹۳	هلالی جغتائی
۲۰۹	هاتف اصفهانی
۲۲۷	قائمی شیرازی
۲۴۹	محمدباقر نجفی (الفت)
۲۷۹	خان بابا میرزایی (خانی)
۲۹۱	عماد خراسانی
۳۱۹	مهدی سهیلی
۳۴۱	نیما یوشیج

مقدمه نگارنده بر جلد سوم

نهایت سرافراز و خرسندم که توفیق یافتم جلد سوم کتاب «سیر و سفری در گلستان ادب پارسی» را تقدیم دوستان و عاشقان فرهنگ غنی و گهربار شعر و ادب پارسی نمایم. این ملت بزرگ باستانی آریائی چند هزار سال قبل، از آن زمان که «نه از تاک نشان بود و نه از تاک نشان»، کنایه‌ای به شکل گرفتن تمدن در کشورهای اروپائی و آمریکائی که هنوز در عرصه گیتی پدیدار نگشته بودند، پرچم تمدن و فرهنگ و هنر را در جهان باستان افراشته کرد و اولین و پهناترین و شکوهمندترین امپراطوری را در جهان برپا ساخت. این است که این ملت استحقاق آن را دارد که دست‌آوردهای فرهنگی تمدن باشکوهش معرفی گردد و بزرگان و پایه‌گذاران آن به بهترین وجه ممکن مورد تجلیل و ستایش قرار گیرند.

سرفرازانه می‌توان ادعا کرد که گنجینه زرین فرهنگ ایران آنقدر وسیع و پربار است که بررسی و مطالعه و مرور آن برای همگان، به ویژه ایرانیان که خود میراث‌دار این فرهنگ و تمدن عظیم هستند به آسانی میسر نمی‌باشد. مگر آنکه گلچینی از این آثار به همراه شرحی در معرفی زندگانی بزرگان این مملکت با تجزیه و تحلیلی از آثار و اندیشه‌ها و افکار آنها به طور به اصطلاح «مختصر و مفید» براساس محتویات دیوان‌های

باقی مانده از اشعار و نیز شرح احوالات مدون در تذکره‌ها و تراجم احوال که توسط مورخین و تذکره‌نویسان در گذشته‌های دور و نزدیک شرح و بسط و ضبط شده، تهیه و تنظیم و چاپ شود و دردسترس هم‌میهنان عزیز در داخل کشور و ایرانیان مهاجر و مقیم در خارج از مرزهای این سرزمین قرار گیرد. براساس چنین اعتقادی بوده است که من با بهره‌گیری از عشق و علاقه وافر جی که در دلم همیشه نسبت به آثار زیبای فرهنگی ایران داشته و دارم بر آن شدم که به این کار مهم بپردازم. در رابطه با معرفی گنجینه وسیع ادبی ایران و شرح احوالات بزرگان این سرزمین البته صدها تذکره و کتب تاریخ در طی ازمنه گذشته به رشته تحریر درآمده که پاره‌ای از آنها منابع و مأخذ تدوین این کتاب می‌باشند. وضوحاً چون روش زندگی ما انسان‌ها در سال‌های آغازین قرن بیستم و یکم به علت مشغله فراوان مجال کافی برای مطالعه و بررسی آثار ادبی بزرگان ایران را در هزار و چند صد ساله پس از یورش اعراب به خاک این سرزمین به طور مفصل و جامع نمی‌دهد؛ لازم دیدم کتابی فراهم آورم که به نیایی ساده و به طور خلاصه انجام این امر مهم را میسر و ممکن سازد. مضافاً اینکه به منظور تداوم بخشیدن به زبان و فرهنگ ایران در بین نسل جوان ایران که در کشورهای خارج زندگی می‌کنند و آشنا ساختن آنها با ذخایر گهربار میهن‌شان و عدم امکان دسترسی آنها به کتابخانه‌ها و دواوین شعرای ایران، کتابی با سبک نگارش بالنسبه ساده و قابل درک که بتواند گویای داستان پرشکوه فرهنگ بی‌نظیر و ذخایر و دستاوردهای پربار و زیبای این ملت باستانی باشد ولو به اختصار می‌تواند مفید و کارساز واقع شود.

در جلدهای اول و دوم کتاب شرح احوالات و تجزیه و تحلیل آثار، افکار و اندیشه‌ها و گلچینی از اشعار رودکی - بایزید بسطامی - فردوسی -

خیام - خاقانی - باباطاهر - نظامی - سعدی - مولوی - عراقی - ابوسعید
 ابوالخیر - عبید زاکانی - حافظ - جامی - کلیم کاشانی - صائب تبریزی -
 فروغی بسطامی - ایرج میرزا - ملک الشعراء بهار - پروین اعتصامی - غمام
 همدانی - علی اکبر دهخدا - شهریار - رهی معیری - سهراب سپهری -
 فریدون مشیری - فروغ فرخزاد و سیمین بهیانی - خواجه عبدالله انصاری
 - ابوعلی مینا - ناصر خسرو - فرخی سیستانی - سنائی - وحشی بافقی -
 عطار - مولوی و شمس تبریزی - انسان کامل از دیدگاه سعدی - فریدون
 توللی - حمیدی شیرازی - هرمز منصوری - بدری ترویج - غوغا خلعتبری
 - پوران شریعتمداری - نسرین خزائی و ثریا صالح تنظیم و تدوین گردید و
 در اختیار صاحب‌دلان و علاقمندان قرار گرفت. در کتاب حاضر نیز همان
 روش در مورد شانزده شاعر دیگر اتخاذ گردیده است. مضافاً چون
 شاعران و نویسندگان و هنرمندان در هر عصر و زمان که زندگی می‌کنند،
 افکار و اندیشه‌ها و آثارشان متأثر از اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی
 همان زمان است، کوشش به عمل آمده که به طور اختصار توضیحی نیز
 دربارهٔ اوضاع تاریخی دورهٔ مورد بحث در لابلای اوراق کتاب فراهم آید
 به منظور اینکه خوانندگان بتوانند با روشن بینی وسیع تر و کافی آثار
 شاعران را در دوره‌های مختلف مورد بررسی و مطالعه قرار دهند.

در نحوهٔ تنظیم مقالات در سرتاسر کتاب سعی شده که آثار بزرگان
 ایران به همراه شرح احوالات آنها، در هر جلد به طور مستقل در یک
 فاصلهٔ زمانی تقریباً هزار و سیصد ساله، از شاعران متقدم شروع و
 به شاعران متأخر ختم گردد تا خوانندگان در عین حال بتوانند نگرشی
 داشته باشند به سیر تکاملی شعر فارسی از حدود دویست سال پس از
 تسلط اعراب به ایران تا زمان حاضر. متأسفانه چون آثار فرهنگی ایران

به خصوص اشعار، تصنیف‌ها و سروده‌های غنائی و رزمی مربوط به دوران قبل از یورش اعراب تقریباً تماماً از بین رفته و در دسترس نمی‌باشد، فقط در آغاز این کتاب فصلی گنجانده شده که به اختصار در آن سیر تکاملی شعر پارسی از دوران باستان تا آغاز نهضت تجدید حیات فرهنگی ایران در قرن سوم هجری، گزارش شده. امید است که مطالب گنجانده شده در سه جلد اخیر این کتاب که امیدوارم با انتشار جلد‌های دیگر در سال‌های آینده ادامه پیدا کند، راه‌گشای آشنائی و استفاده بیش از پیش هموطنان ایرانی در شناخت و درک آثار به‌یادگار مانده بزرگان این سرزمین گردد. در پایان می‌خواهم از مسئولین انتشارات گوتنبرگ به ویژه جناب آقای کاشی‌چی، فرزید پرومندی‌شان آقای کاوه کاشی‌چی و آقای محمدی و آقای حسن نیک‌بخش مدیریت حروفچینی گنجینه صمیمانه تشکر و سپاسگزاری نمایم.

پرویز نظامی

پیشگفتار

تحول و تکامل در شعر فارسی

ما هرگز نخواهیم دانست که سه یا چهار هزار سال پیش از این چه کسی و در کدام سرزمین برای اولین بار احساسات و ادراکات و تخیلات روحی خود را در قالب شعر ریخت و این یکی از زیباترین پدیده‌های ذوق بشری را ابداع کرد و پایه‌گذاری نمود. لکن می‌دانیم که دوهزار و نهصد سال پیش داوود و پس از او سلیمان افکار و اندیشه‌های خود را در قالب شعر ریختند که به مزامیر داوود معروف است و تمام آن در کتاب تورات ضبط شده و به یادگار مانده است. پس از داوود و سلیمان به اولین شاعر دیگری که در نقطه‌ای دیگر از جهان آن روز یعنی یونان برمی‌خوریم هُمر شاعر یونان باستان است که در دو هزار و هفتصد سال قبل داستان‌های اساطیری اقوام یونانی را در قالب شعر حماسی ریخت و کتاب ایللیاد و ادیسه را زینت‌بخش گنجینه ادبی جهان نمود. اقوام عرب نیز چند صد سال قبل از ظهور اسلام صنایع شعری از قبیل اوزان عروضی و قافیه‌پردازی را ابداع کردند و شاعران عرب به سرودن شعر مسجع و مقفا همت گماشتند. در ایران باستان شعر را برای اولین بار در دیانت و آئین زرتشتی مشاهده می‌کنیم که حدود دو هزار و ششصد سال قدمت دارد و

همزمان با زندگی زرتشت می‌باشد. این اشعار که به سبک هجائی سروده شده در بخش‌هایی از اوستا به صورت نیایش‌های مذهبی در آئین‌های دینی زرتشت و در دفتری به نام یسنا گردآوری شده است. چکامه سرایی را نیز برای اولین بار در اوستا و در بخش گاتها ملاحظه می‌کنیم. واژه گات به معنای ترانه خوانی است و پنج گروه از متن‌های چکامه‌ای که در یسنا هستند چنین نامی دارند. این چکامه‌ها در مراسم مذهبی به صورت آوازی خوانده می‌شوند. گاتها کهن‌ترین و ورجاوندترین بخش اوستا می‌باشند و گویا زرتشت خودش آنها را نوشته است. در یکی از گاتها برای مثال آوای مردی سراسیمه را به خوبی می‌شنویم:

۱- به کدام مرز و بوم روی آرم، به کجا پناه برم؟

مرا از همسر، زمین‌ها و هم‌تیره‌هایم می‌رانند

هم پیوندی تیره‌ها نیز، بلمن بر نیکی ندارد،

فرمانروایان کشور هم که پرستندگان دروچها هستند این چنین‌اند.

ای اهورامزدا به چگونه در راه خوشنودی تو می‌کوشم؟

۲- ای مزدا، آگاهم که چرا کامیاب نیستم،

هم دام‌هایم اندک‌اند و هم کسانم

اهورا در پیشگاهت مویه می‌کنم، پس بنگر،

از من پشتیبانی کن، آنچنانکه دوست از دوست می‌کند،

از راه اشایا موزانم که چگونه بر اندیشه نیک دست یابم.

از این تاریخ که اولین سرمنزول سروده‌های شعری مدون می‌باشد، به زمان‌های جدیدتر سفر می‌کنیم و به پیدایش و تاسیس دوران پرشکوه امپراطوری هخامنشیان پا می‌گذاریم. در این دوره دیگر ردپائی از شعر پیدا نمی‌کنیم، جز مطالبی که به صورت کتیبه به خط میخی در پاسارگاد و

تخت جمشید بر روی سنگ نبشته‌ها حک شده و معلوم نیست که شعر در این روزگاران که حدود دویست و بیست سال طول کشید به چه شکل و یا به چه میزان و در کجا سروده شده، فقط می‌توانیم به حدس و گمان بگوئیم که چون شعر به هر حال از قدیم‌الایام آواز دل و پیام احساسات و عواطف و افکار و اندیشه‌های انسانی بوده و هست، احتمالاً به صورت سروده‌هایی در آوازهای محلی چوپانان و یا مردان و زنان به هنگام کار در کشت‌زارها و باغستان‌ها و حتی به صورت چکامه‌های رزمی در جنگ‌ها سروده و خوانده می‌شده است، لکن اثری از آنها باقی نمانده است.

پس از حمله اسکندر مقدونی به ایران و انهدام تمدن باستانی ایران و تسلط سلوکیان یونانی‌الاصل بر ایران که حدود یکصد سال طول کشید، باز اثری از نوشته و شعر حتی به صورت چکامه‌های غنائی و رزمی که در آن روزگاران بسیار معمول بوده‌اند دیده نمی‌شود. ولی چون یونانیان به طوریکه متذکر شدم از قرن هفتم قبل از میلاد و حتی پیش از آن با اشعار رزمی و غنائی آشنائی داشته‌اند، محتمل است که این پدیده در دوران تسلط سلوکیان در ایران گسترده شده باشد لکن سند و مدرکی در این مورد در دست نمی‌باشد. با انقراض سلوکیان و روی کار آمدن اشکانیان که قبائل پارتیان بودند و به زبان دری و پهلوی تکلم می‌کردند و نوشته‌هایشان به خط آرامی بود، کتاب‌های کهن منجمله اوستا به زبان پهلوی ترجمه و نگارش یافت. لکن از این دوره هم از شعر جز آنچه در اوستا به صورت سروده‌های مذهبی وجود دارد، آثار مدون دیگری به چشم نمی‌خورد. ولی باز می‌توان حدس زد که انسان‌های باذوق در این ازمنه و ادوار نیز ترانه‌های محلی با لهجه‌های مختلف می‌سرودند و به اقتضای زمان و مورد حالتشان به صورت آوازی می‌خوانده‌اند،

به خصوص که در این دوران ایرانیان به ساختن آلات مختلف موسیقی از قبیل نی و چنگ و عود نیز اقدام کرده بودند و لذا می‌توان تصور کرد که به همراه نواختن آلات موسیقی، آوازخوانی نیز معمول گردیده بود و برای این کار نیاز به ترانه و چکامه و سرود از انواع و اقسام چه به سبک غنائی و چه به سبک رزمی بوده که طبعاً بایستی سروده می‌شد. این سروده‌ها، دهان به دهان، احتمالاً از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردید، لکن باز هم اثری از آنها باقی نمانده است. حکومت اشکانیان بر ایران که به دست ساسانیان منقرض شد، و حدود چهارصد سال سلطنتشان هم دائم در جنگ با رومیان در آسیای صغیر و اقوام دیگر در مرزهای شمالی و شرقی بودند، دوران شکوفایی سیاسی اجتماعی و فرهنگی و هنری جدیدی را در عهد ساسانیان در سرزمین ایران به وجود آورد و در این دوره است که برای اولین بار به نشانه‌هایی مدون و حقیقی از فرهنگ هنری و ادبی برمی‌خوریم که حکایت از یک سیر تکاملی جدی در شعر و موسیقی و خط و نویسندگی دارد. اعتقاد همه محققان و پژوهشگران بر این است که دوره ساسانیان، دوره رخشان دست آوردهای فرهنگی و هنری و اجتماعی ایران بوده و به طور قطع آثار بزرگی در این زمان خلق شده و بهترین دلیل آن هم تاسیس دانشگاه جندی شاپور در خوزستان می‌باشد که برای اولین بار در تاریخ این سرزمین طلایه فرهنگ را به نحو قابل ملاحظه‌ای برافراشت تا اینکه چهارصد سال و اندی بعد به دست تازیان منهدم و ویران گشت و تقریباً تمام آثار خلق شده در این دوره پربار و د درخشان در آتش خشم و جهالت آنان سوخت و به خاکستر مبدل گردید. از هنرمندان و تصنیف‌سازان بزرگی در این دوره چون باربد و نکبسا یاد شده و حتی از بهرام گور هم شعری به جا مانده که فقط نشانه‌هائی

به دست می‌دهند از گنجینه وسیع فرهنگی و هنری مردم ایران در این دوران. باز هم در همین دوره است که ما تداوم فرهنگ و دیانت زرتشتی و نوشته‌های اوستا را مشاهده می‌کنیم و وارث معدودی کتاب از این عهد باستان هستیم که به همت زرتشتیان حفظ و حراست شد و از آتش انهدام عرب در امان ماند. پاره‌ای از این کتاب‌های باستانی، کارنامه اردشیر بابکان - تعدادی خداینامه‌ها - داستان اسکندر، آئین‌نامه، گاهنامه، داستان بهرام چوبین، داستان رستم و اسفندیار، داستان دارا و بت زرین، لهراسب‌نامه، داستان خسرو و شیرین، کتب مختلف مانوی، و کتاب‌های دیگری است که تماماً به زبان پهلوی و پاره‌ای به زبان سریانی بوده و پس از تسلط اعراب بر ایران، در ابتدا به زبان عربی ترجمه گردید و در طی قرون بعدی، در دوران نهضت تجدید حیات فرهنگی ایران مجدداً از عربی به فارسی برگردانده شد. در مبحث شعر از این دوره اشعاری به لهجه‌های محلی، که پاره‌ای از آنها چون مصادف با وقایع تاریخی بوده، به جا مانده است. این اشعار همه با وزن هجائی و بعضی دارای قافیه و کلماتی نزدیک به قافیه و برخی هم فاقد قافیه هستند و همه آنها نشان بر این دارند که چگونه شعر در ایران باستان از اوزان هجائی قدیم به اوزان هجائی جدید که نزدیک به اوزان عروضی است تحول می‌یافته و به صورتی درمی‌آمده که بعدها در آثار شعرای فارسی نیمه دوم قرن سوم دیده می‌شود. از جمله آن اشعار سرود آتشکده کرکوی است که از جمله اشعار شش هجائی اواخر دوره ساسانی و به لهجه نسبتاً جدید دری یعنی لهجه شرقی ایران است. ابیاتی از این شعر چنین می‌باشد:

فرخته باذا روش	خنیده گرشپ هوش
همی برست از جوش	انوش کن می‌انوش

دوست بـِـذآ گوش	بآفرین نهاده گوش
همیشه نیکی کوش	که دی گذشت و دوش
شاها خدایگانا	بآفرین شاهی

این اشعار دارای قافیه کامل است با وزن شش هجائی. از دیگر اشعار این دوره شعر بلخیان است در هجو یکی از سرداران عرب که به جنگ امیر مختلان رفت و شکست خورد و اهالی بلخ او را هجو کردند و کودکان بلخی آن هجو را در کوچه و بازار می خواندند و شادی می کردند.

از مختلان آمذیه	برو تباه آمذیه
آوار بازار آمذیه	بیدل فراز آمذیه

این اشعار نمونه هایی از اشعاری است که در پاره ای از نواحی ایران در سه قرن اول هجری و در فاصله میان سقوط حکومت ساسانی و آغاز ادب فارسی دری سروده شده. از شاعران معروف این دوره که به این سبک شعر سروده اند می توان محمد بن حبیب، استاد علی پیروز، مرزبان بن رستم و از همه برجسته تر ابونواس را ذکر کرد.

دوره طلانی شعر پارسی، بالاخره پس از حدود سیصد سال با قیام های آزادی خواهانه ایرانیان برای رهایی از تسلط عرب با شورش یعقوب لیث صفار و تشکیل سلسله صفاری آغاز شد. اولین شاعر ایرانی که در این زمان به خواست یعقوب لیث به زبان پارسی دری شعر گفت محمد وصیف سگزی یا سیستانی بود که در اول شعری به عربی در وصف یعقوب سرود و چون با اعتراض یعقوب روبرو شد که چرا شعر باید به زبانی گفت که فهمیده نشود، محمد وصیف همان شعر را به زبان پارسی دری درآورد و از آن تاریخ به بعد شعرا جرأت و جسارت یافتند که به سرودن شعر به زبان پارسی اقدام کنند. ابیاتی از این شعر در مدح

یعقوب چنین است:

ای امیری که امیران جهان خاصه و عام

بنده و چاکر و مولا و سگ‌بند و غلام

ازلی خطی در لوح که ملکی بدهید

به ابی‌یوسف، یعقوب بن الیث همام

شاعر دیگر آن زمان بسام کرد خارجی نیز در این زمان اشعاری در مدح یعقوب به زبان پارسی دری سرود و لذا می‌توان گفت که محمد بن وصیف سگری از اولین شعرائی است که بعد از هجوم عرب به وزن‌های معمول در ادب پارسی که تا حدی نزدیک به اوزان عروضی عرب است شروع به ساختن شعر کرد.

به‌طوریکه از روایات و تذکرها برمی‌آید اولین گویندگان شعر پارسی عبارتند از بهرام گور و سپس با یک فاصله زمانی سیصد ساله که دوران تاریکی و خفقان پس از حمله عرب بود، عباس مروزی، ابوحنس سغدی سمرقندی و چند تن دیگر که همه آنها در عهد طاهریان و صفاریان به پا خاستند. از بهرام گور این شعر باقی مانده:

منم آن شیر گله منم آن پیل یله نام من بهرام گور کنستم بوجبته

در مورد طبع شعر سرایی بهرام گور باید اضافه کنم که او احتمالاً با شعر در هنگامی که به مدت کوتاهی در میان یکی از قبایل عرب دست‌نشانده ایران سکونت داشته آشنائی پیدا کرده بود.

از ابوحنس سغدی سمرقندی این شعر باقی مانده است:

آهوی کوهی در دشت چگونه بودا او ندارد یار بی‌یار چگونه دودا

شعر پارسی از این زمان به بعد سیر تکاملی و تحولی شکوهمندی را آغاز کرد که در دوره سامانیان و غزنویان شکوفا شد. از شاعران بزرگ این

دوران، رودکی سمرقندی که او را پدر شعر پارسی لقب داده‌اند، شهید بلخی، ابوزراعه، ابوشکور بلخی، محمد خسروانی، رابعه قزدار، ابوالحسن معروفی بلخی، بخارانی، ابومنصور محمود مروزی، کسائی مروزی، دقیقی و بالاخره زنده‌کننده زبان پارسی دری و میراث باستانی اساطیری ایرانی حکیم ابوالقاسم فردوسی هستند. این دوران شکوهمند و افتخارآفرین که در حقیقت دوران تجدید حیات فرهنگی ایران پس از یورش عرب می‌باشد و بین سال‌های آغازی قرن چهارم و نیمه دوم قرن پنجم گسترده است، به وجود شاعران بزرگ و رواج انواع و اقسام اشعار گوناگون آراسته می‌باشد که رودکی سمرقندی را باید به راستی پرچمدار عظیم‌الشان این نهضت به شمار آورد. از رودکی غزل معروف و زیبایی به جا مانده که با صدای گرم مریضه و بنان و ارکستر رادیو ایران بسیاری از شما شنیده‌اید.

بوی جوی مولیان آید همی	یاد یار مهربان آید همی
ریگ آموی و درشتی‌های او	زیر پا چون برنیان آید همی
آب جیحون با همه پهناوری	خنک ما را تا میان آید همی
ای بخارا شاد باش و شاد زی	شاه نزدت میهمان آید همی
میرد ماد است و بخارا آسمان	ماه سوی آسمان آید همی
میر سرو است و بخارا بوستان	سرو سوی بوستان آید همی

از شهید بلخی به جز ابیات پراکنده‌ای باقی نیست و کلیات اشعار او در طول زمان از بین رفته است و همین ابیات حکایت از قدرت و مهارت و ذوق وافر او دارد:

ابر همی گرید چون عاشقان	باغ همی خندد معشوق‌وار
رعده همی نالد مانند من	چونکه بنالم به سحرگاه زار



دانش و خواسته‌ست نرگس و گل که به یک جای نشکند به هم
هرکه را دانش است خواسته نیست وان که را خواسته‌ست دانش کم
ابوشکور بلخی شاعر دوران امیرنوح سامانی و سراینده چکامه بلند
«آفرین‌نامه» که متضمن داستان‌هایی از زندگی و انباشته از آموزش
اخلاقی بوده است. از این شاعر بیش از پانصد بیت شعر آن هم به صورت
پراکنده باقی نمانده است.

از اشعار او است:

به دشمن برت مهربانی مباد که دشمن درختی است تلخ از نهاد
درختی که تلخش بود میوه را اگر چرب و شیرین دهی مرو را
همان میوه تلخت آرد پدید ازو چرب و شیرین نخواهی مزید
این بیت معروف هم از او است:

تا بدانجا رسید دانش من که بدانم همی که نادانم

این ابیات عاشقانه هم از ابوشکور بلخی می‌باشد:

از دور به دیدار تو اندر نگریستم

مجروح شد آن چهره پر حسن و ملاح

وز غمزه تو خسته شد آزرده دل من

این حکم قضائی است جراح

محمد خسروانی در سرودن چکامه‌های غنائی آوازه‌ای گسترده

داشت ولی از آثارش چیز زیادی باقی نمانده.

رخت دید نتوانم از آب چشم

سخن گفت نتوانم از بس گرنگ

رخ توست خورشید و خورشید خاک

لب توست یاقوت و یاقوت سنگ

رابعه قزدارى اولین شاعر ایرانی بود که به جرم بی پرواگرى به دست دژخیمان ارتجاع سیاه به قتل رسید و داستان عشق او به بکتاش غلام برادرش حارث و رگ زدن او در حمام و رفتن بکتاش به کنار جسد بی جان رابعه که بکتاش را وادار کرد همانجا در کنار او با زدن خنجر به قلب خود به زندگى خود پایان دهد، از داستان‌های واقعى و تراژدىک دوران است. به ابیاتی از چکامه‌ای که ناله عاشقانه نام دارد، از رابعه قزدارى توجه فرمائید:

عشق او باز اندر آوردم به بند
کوشش بسیار نامد سودمند
عشق دریای کرانه ناپدید
کى توان کردن شنا ای مستمند
عشق را خواهی که تا پایان بری
بس که بیسندید باید ناپسند
زشت باید دید وانگارید خوب
زهر باید خورد وانگارید قند
توسنى کردم ندانستم همی
کز کشیدن تنگ‌تر گردد کمند
آثار کسائی مروزى و دقیقى طوسى
حلقه پیوند دهنده میان آثار
سخنوران روزگار سامانیان و اشعار مدیحه‌سرایان عهد غزنویان بوده
است. بی‌گمان کسائی مروزى در نگاشتن زبردستانه «وصف» استادى
بزرگ بوده است.

این یکی از نمونه‌های استادى ویژه اوست:

نیلوفر کبود نگه کن میان آب

چون تیغ آبداده و یاقوت آبدار

همرنگ آسمان و به‌کردار آسمان

زردیش در میان چو ماه ده و چهار

چون راهبی که دوزخ او سال و ماه زرد
 وز مطرب کبود ردا کرده و ازار
 گل نعمتی است هدیه فرستاده از بهشت
 آدم کریمتر شود اندر نعیم گل
 ای گل فروش گل چه فروشی به جای سیم

وز گل عزیزتر چه ستانی به سیم گل
 ابومنصور محمد بن احمد دقیقی در میان سخنورانی که به روزگار
 باستان میهن ما ایران می پرداختند درخشانترین چهره بوده است.
 دانستنی های ما از زندگی او بسیار اندک است و فقط می دانیم که به دست
 غلام خود در جوانی کشته شد. دقیقی شاعری بسیار توانا بود که کار
 سرودن شاهنامه را قبل از فردوسی آغاز کرد و تا به هنگام مرگ فقط یک
 هزار بیت از آن را سروده بود که بعد توسط فردوسی بزرگ ادامه یافت و
 از طریق آن زبان پارسی دری تجدید حیات یافت و قهرمانان اساطیری
 ایران زنده و جاوید گشتند. فردوسی بزرگ که کار دقیقی را در شاهنامه
 دنبال کرد از این شاعر بزرگ دوران چنین یاد می کند:

یکی پهلوان بود دهقان نژاد دلیر بزرگ و خردمند و راد
 پژوهنده روزگار نخست گذشته سخن ها همه باز جست
 ز هرکشوری موبدی سالخورد بیاورد و این نامه را گرد کرد
 برپرسیدشان از نژاد یکان وز آن نامداران فرخ گوان
 که گیتی به آغاز چون داشتند که ایدون به ما خوار بگذاشتند
 چگونه سرآمد به نیک اختری بر ایشان همه روز کند آوری
 بگفتند پیشش یکایک مهان سخنهای شاهان و گشت جهان
 چو بشنید از ایشان سپهبد سخن یکی نامور نامه افکند بن

چنین یادگاری شد اندر جهان
جهان دل نهاده بر این داستان
جوانی بیامد گشاده زبان
به نظم آرم این نامه را گفت من
جوانیش را خوی بد یار بود
برو ساختن کرد ناگاد مرگ
بدان خوی بد جان شیرین بداد
یکایک از او بخت برگشته شد
ز گشتاسب و ارجاسب بیتی هزار
برفت او و این نامه ناگفته ماند

به ابیاتی از یک پیام بهاری از دقیقی توجه فرمائید:

برافکند ای صنم ابر بهشتی
بهشت عدن را گلزار ماند
چنان گردد جهان هزمان که گویی
جهان طاووس گونه گشت دیدار
ز گل بوی گلاب آیند از آن سان
دقیقی چار خصلت برگزیدست
لب یاقوت رنگ و ناله چنگ
می چون زنگ و کیش زرد هشتی

خوشبختانه هزار بیتی را که دقیقی برای شاهنامه سروده، موجود می باشد چون فردوسی آن ابیات را به شاهنامه خود آورده و از این رهگذر سلف خویش را برای آیندگان نگه داشته است، و بالاخره فردوسی بزرگ و شاهکار جاودانی اش شاهنامه که چکامه های قرون چهارم و پنجم با همه درخشندگی در برابر کار عظیم شاعر نابغه آن، که

همروزگاراناش به انواع مختلف کوشیدند او را نزد سلطان محمود غزنوی خوار سازند جلوه‌ای ندارد.

فردوسی بی‌هیچ گمان، بزرگترین حماسه‌سرای ایران است و تسلط او در آرایش صحنه‌ها، گزینش کلمات، ترکیب استادانه اجزای جمله و ارائه تصاویر متناسب با موضوع در حدی است که با دیگر استادان این شیوه قابل قیاس نمی‌باشد و در بازسازی زبان پارسی دری و زندگی بخشیدن به قهرمانان داستان و دقیق شدن در زوایای روحی هر کدام چنان چیره‌دست و تواناست که خواننده آگاه بی‌اختیار دچار شگفتی می‌شود. آنچه که در موضوع تحول و تکامل شعر پارسی به استحضار دوستان رسید فقط باید مقدمه مختصری تلقی شود از آنچه که این مبث را حقا شامل می‌گردد و این تازه ابتدای کار است چون پس از فردوسی شعر فارسی با ظهور شاعران بزرگی چون مولوی و سعدی و حافظ و صدها شاعر چیره‌دست و نابغه دیگر سیر تکاملی حیرت‌انگیزی را از قرن پنجم تا پایان قرن هشتم و نهم طی کرد و سپس در قرن دهم با پیدایش سبک هندی و شاعران بزرگ قرن دهم و یازدهم که به این سبک سخن گفتند ادبیات این ملت و مملکت باستانی به کوشش والای بزرگان تاریخ ایران به راه تکامل رفت و در تارک فرهنگ بشری جای گرفت و رخشان و جاودان گردید.